دنیا را داریم وقتی همدیگر را داریم

[لئوبوسکالیا/ تهمینه مهربانی]

بعضی وقت ها پدر می آمد و پشت میز بزرگ آشپزخانه که یک عالمه یادگاری روی آن کنده بودیم، می نشست و می گفت: «گوش کنین بچه ها! دیگه هیچی نداریم و باید با یکدیگه کار کنیم تا خانواده بوسکالیا بتونه ادامه بده.»

آن وقت کار اصلی ما شروع می شد. خواهرم می رفت و آشغال سبزی های مغازه سبزی فروشی را از او می گرفت تا به کسانی که توی خانه هایشان خرگوش نگه می داشتند، بفروشد. من از این خانه به آن خانه دوره راه می افتادم و مجله می فروختم و خیلی چیزها یاد می گرفتم. بعضی ها در خانه هایشان را محکم به رویم می بستند و به من بدوبیراه می گفتند و این خیلی خوب بود. همه چیز تا وقتی که انسان قصد یادگیری دارد، خوب است. و مادر همیشه می گفت: «همه چیز رو به راه است. تا باغچه را داریم، غم نداریم.» و ما همه به هم کمک کنیم تا خانواده بتواند به بقای خود ادامه بدهد.

آن وقت کار اصلی ما شروع می شد. خواهرم می رفت و آشغال سبزی های مغازه سبزی فروشی را از او می گرفت تا به کسانی که توی خانه هایشان خرگوش نگه می داشتند، بفروشد. من از این خانه به آن خانه دوره راه می افتادم و مجله می فروختم و خیلی چیزها یاد می گرفتم. بعضی ها در خانه هایشان را محکم به رویم می بستند و به من بدوبیراه می گفتند و این خیلی خوب بود. همه چیز تا وقتی که انسان قصد یادگیری دارد، خوب است. و مادر همیشه می گفت: «همه چیز رو به راه است. تا باغچه را داریم، غم نداریم.» و ما همه باهم می گفتیم: «آه بازهم کلم؟»

و روده هایمان می ترکید و معده هایمان کش می آمد و یادمان می رفت که گرسنه هستیم، ولی باهم بودن و باهم کار کردن ، کیف عجیبی داشت. ما از خانه بیرون می رفتیم تا هر کاری که از دستمان برمی آید برای نجات خانواده از کسادی انجام بدهیم و وقتی به خانه برمی گشتیم، انتظار داشتیم مادر جلوی ما نان و کلم بگذارد و بعد می دیدیم که سفره شاهانه ای برایمان چیده.

پدرم می گفت: «موضوع چیه؟ دیوونه شدی؟» و مادر می گفت: «دیوزر ، چک باطله است و فردا، سفته برگشتی . چک نقدی یعنی امروز!» و ما می نشستیم و خودمان را با غذا خفه می کردیم. مادر می گفت: دیگه از این غذاها گیرتون نمی یاد. دنیا رو دارین که خرج کنین. معطل نکنین.»

و ما واقعاً دنیا را داشتیم، چون همدیگر را داشتیم و می توانستیم هر روز آن قدر بخندیم که از زور خنده، ریسه برویم.

کاردستی

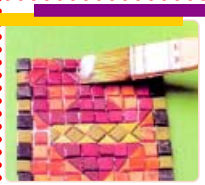

زیرلیوانی

[اشرف پورمند]

مقداری گل رس، مقوای ضخیم، روزنامه، چاقو، وردنه، خط کش، رنگ گواش، قلم موی کوچک و بزرگ، قیچی، چسب چوب

طرز ساخت

روزنامه را روی میز کار پهن کنید. مقدار گل رس بردارید و آن را به ضخامت پنج تا هشت سانتیمتر پهن کنید.

گل رس را با استفاده از خط کش و چاقو به شکل یک مربع ببرید. بعضی مربع ها را از قطر ببرید تا به صورت مثلث درآیند. مربع ها و مثلث ها را با رنگ های مختلف رنگ آمیزی کنید. مقوای ضخیم را به شکل مربعی به اضلاع ۱۱ سانتیمتر ببرید و طرح دلخواه را با مربع های کوچک رنگی ایجاد کنید.

با استفاده از چسب چوب، مربع ها را بچسبانید. در خاتمه کار، با یک قلم موی پهن تمام سطح موزائیک را از چسب چوب رقیق شده با آب بپوشانید و صبر کنید تا خشک شود.

از من بپرس

کوسه ها

[پدرام شهپری]

به جرأت می توان گفت تمامی کوسه ها خطرناک هستند، اما کوسه سفید رتبه اول بی رحمی را دارد. جانورانی ترسناک که طولی بیش از شش متر دارند و وزن شان گاهی به سه و نیم تن نیز می رسد. کوسه های سفید داخل شکم مادرشان سر از تخم در می آورند. تخم ها در شکم مادر قرار دارد و نوزادها داخل شکم مادرشان برای رفع گرسنگی از خواهر و برادر به دنیا نیامده شان تغذیه می کنند. شکم تحتانی کوسه در زیر گلوبش قرار گرفته است. رنگ سفید کوسه با رشد جانور کم کم تغییر می کند و خاکستری و قسمت میانی بدنش بزرگتر می شود. کوسه ها انواع مختلف دارند از جمله کوسه گاوی و کوسه ببری.

کوسه ها طعمه را گاز می گیرند و سپس خود را کنار می کشند تا طعمه بر اثر خونریزی جان بدهد. کوسه ها از فاصله ۵۰۰ متری بوی خون را حس می کنند. کوسه ها برای شناسایی دقیق طعمه از جریان های الکتریکی طعمه استفاده می کنند کوسه های سفید انسان ها را با فک عوضی می گیرند و علت اصلی حمله آنها شاید همین باشد. اگر شما در محل تجمع کوسه یک گوسفند و یا موش ببینید، آنها توجهی نخواهند کرد و گوسفند اگر از ترس نمرده باشد، جان سالم به در خواهد برد.

«جنگ و صلح» پروژه معمول خواهر، برادری!

[غزاله مرعشی]

در خانواده هایی که بیشتر از یک بچه دارند، درگیری و دعوا و جیغ و داد خواهر و برادرها امری عادی به حساب می آید! بچه ها از هم بعضی از وسایل را قرض می گیرند ولی آنها را درست مثل روز اولش پس نمی دهند، بچه های کوچکتر فکر می کنند خواهر و برادر بزرگترشان هر کاری که دلشان بخواهد می توانند انجام دهند و بچه های بزرگتر فکر می کنند که پدر و مادرشان به بچه های کوچکتر بیشتر توجه می کنند.

اگر شما هم در خانه با خواهر و برادر کوچکتر یا بزرگترتان مشکل دارید، باید بدانید که این مسائل فقط مختص شما نیست بلکه در همه زمان ها و همه جای دنیا، بچه های خانواده با هم درگیری ها و ناسازگاری هایی دارند. ریشه این مشکلات اینجاست که خواهر و برادرها همیشه با هم در حال رقابت هستند و گاهی رقابت بیش از حد دردسرساز می شود. اصلاً می شود با خواهر و برادرها کنار آمد و صلح برقرار کرد؟ آنها که خیلی هم بد نیستند، هستند؟!

■ **رقابت یا حسادت؟**

رقابت بین خواهر و برادرها (البته به مقدار کم) چیز بدی نیست، زیرا موجب می شود آنها سخت تلاش کنند تا خودی نشان دهند. مثلاً وقتی که برادرتان بهتر از شما دوچرخه سواری می کند، شما هم تصمیم می گیرید با تمرین بیشتر، پیشرفت کنید، ولی بعضی وقت ها این رقابت ها به جنگ و دعوا ختم می شود. این درگیری ها به این معنی نیست که شما از هم متنفرید زیرا کسانی که همدیگر را دوست دارند هم گاهی با هم دعوا می کنند ولی مشاجره بیش از حد برای هر کسی آزاردهنده است. بعضی از وقت ها برادر و خواهرها به هم حسادت می کنند. مثلاً وقتی که خواهرتان در مدرسه نمره های خوبی می گیرد، اگر در بیشتر مواقع نمره های کمتری از او بگیرید، ناامید و دلسرد می شوید و به او حسادت می کنید. به احتمال زیاد شما به خاطر موفقیت های خواهر و برادرهایتان به آنها افتخار می کنید، ولی در چنین موقعیت هایی حسادت به میزان کم طبیعی است. اگر شما از مقایسه کردن خودتان با آنها دست بردارید و به جایش به توانایی ها و موفقیت هایتان فکر کنید، احساس بهتری پیدا خواهید کرد. همه بچه ها دوست دارند پدر و مادرشان به آنها توجه ویژه ای داشته باشند، ولی گاهی اوقات باید کمی صبر کنید تا نوبت تان شود زیرا پدر و مادرتان نمی توانند در یک لحظه توجه کامل و صددرصدشان را به همه فرزندانشان داشته باشند. اگر فکر می کنید والدینتان شما را فراموش کرده اند و همیشه به خواهر و برادرتان توجه بیشتری می کنند، با آنها حرف بزنید و مشکلتان را مطرح کنید، اگر آنها متوجه احساس شما شوند، شما می توانید با هم راهی برای حل این مسئله پیدا کنید.

■ **خونسردی تان را حفظ کنید**

زمانی که در موقعیتی دلسرد کننده قرار می گیرید و به خواهر و برادرتان حسادت می کنید، ممکن است خیلی زود از کوره دربروید و آغازکننده یک جنگ و دعوای دیگر باشید. با رعایت این نکات از بروز مشاجرات جلوگیری کنید:

۱) یک نفس عمیق بکشید و چند ثانیه فکر کنید؛ آیا شما از دست خواهر یا برادرتان عصبانی هستید یا این که فقط در این موقعیت خاص که به وجود آمده احساس ناامیدی و دلسردی می کنید؟

۲) به خودتان یادآوری کنید که استعدادها و توانایی های ویژه و منحصر به فردی دارید. ممکن است خواهرتان در مسابقه نقاشی رتبه اول را کسب کرده باشد ولی شما در بسکتبال یا ریاضی از او خیلی بهتر باشید. اگر این طور به قضیه نگاه کنید احساس بسیار بهتری پیدا خواهید کرد.

۳) به خاطر موفقیت های خواهر و برادرتان به آنها تبریک بگویید و در شادی آنها سهیم باشید. در این صورت آنها هم وقتی شما موفقیتی کسب کنید به شما تبریک خواهند گفت و در کل روابط بسیار دوستانه ای پیدا خواهید کرد.

خوشبختانه با رعایت این نکات می توانید در بیشتر مواقع به جای جنگ، صلح برقرار کنید ولی اگر در بیشتر مواقع کنترل موقعیت از دستتان درمی رود و با هم دعوا می کنید، باید از یک بزرگتر برای حل مشکل تان کمک بخواهید. سعی کنید زمان بگومگوها از کلمات و عبارات توهین آمیز استفاده نکنید زیرا آنها آتش دعوا را تندتر خواهند کرد و درگیری لفظی تبدیل به درگیری فیزیکی خواهد شد.

■ **دوستان آینده**

شاید الان باورش برای شما خیلی سخت باشد ولی ممکن است یک روزی، همین خواهر و برادرتان که چشم دیدن همدیگر را ندارید، تبدیل به بهترین دوستانتان شوند. بسیاری از خواهر و برادرهایی که در دوران کودکی مرتب با هم دعوا می کردند، وقتی بزرگتر شدند روابط بسیار صمیمانه و نزدیکی پیدا کردند. یادتان باشد که همین طور که بزرگتر می شوید، دوستان تان تغییر خواهند کرد و لی خانواده شما همیشه در کنار شما خواهند بود.

شهروند خوب

کولر آبی

در خانه را که بستم احساس کردم مادرم داشت چیزی را یادآوری می کرد. صدای مامان از توی آیفون می آمد که می گفت موقع برگشتن از مدرسه برای کولر پوشال بخرم. خودکارم را از توی کیفم درآوردم و روی شست چپم یک ضربدر زده تا یادم بماند. البته آگه یادم نرود که ضربدر را برای چی روی دستم زده ام.

از سر صبح هوا گرم بود؛ «پوشال یادم نره!» جلوی مغازه ایستاده بودم. سلام کردم. آقای فروشنده جواب داد و پرسید که چه چیز لازم دارم. گفتم: «پوشال.» نگاهی کرد و پرسید: «فقط پوشال؟ مطمئنی؟» به خودم شک کردم ولی روی دستم فقط یک علامت ضربدر بود یعنی یک چیز را به یاد بیاورم.

آقای فروشنده گفت چند تا توصیه دارم برای این که منزل تان در فصل تابستان خنک تر باشد. تشکر کردم و منتظر شنیدن شدم. او گفت برای این که سرما خارج نشود تابستان هم از درزگیر استفاده کنید و مسیر کانال کشی کولر هرقدر کوتاه تر باشد، بهتر است. حتی الامکان طی روز به طور مستمر کولر کار نکند تا فشار کمتری به دستگاه وارد شود. اگر کولر نو می خرید توجه کنید که حتماً علامت استاندارد برچسب انرژی داشته باشد و توجه کنید که بهترین درجه حرارت منزل در تابستان بین ۱۸ تا ۲۲ درجه سانتیگراد است. از سرد شدن بیش از حد منزل خودداری کنید. همزمان نباید چند وسیله برقی و گرمازا را با هم روشن کنیم زیرا موجب افزایش گرمای منزل می شود و نیاز به استفاده از کولر را افزایش می دهد. با خوشحالی از آقای فروشنده تشکر کردم، درزگیر را هم خریدم و به خانه رفتم. همه صحبت های آقای فروشنده را روی کاغذ با خط خوش و خوانا نوشتم و از روی آن ۲۰ تا کپی گرفتم و به همسایگانمان دادم تا همسایگان عزیز ما نیز از هوای مطبوع تری در منازل خودشان استفاده کنند.